

بیماری خطرناک



پرسش‌های پیش از خواندن

۱. معمولاً در چه فصلی بیشتر مریض می‌شوید؟
۲. آخرین بار کی مریض شدید و چکار کردید؟
۳. وقتی مریض می‌شوید به دکتر می‌روید یا ترجیح می‌دهید با داروهای مختلف خودتان را درمان کنید؟
۴. آیا برای درمان بیماری‌تان از داروهای گیاهی استفاده می‌کنید؟
۵. آیا تاکنون در بیمارستان بستری شده‌اید؟

واژه‌های جدید

آزمایش دادن	داروی گیاهی	شربت	مُعاینه کردن
آزمایشگاه	درمان کردن	ضربان	مَنشی
اتاقِ انتظار	سرکسی گیج رفتن	عَش کردن	ناشتا
اِشتها داشتن	سردرد	فِشارِ خون	نَبض
اِطمینان داشتن	سَرطانی	قَرص	وَقْت گرفتن
پَروده	سُرفه کردن	مَریض	
تَب داشتن	سِرْم	مَطب	

بیماری خطرناک

بعضی از مردم دوست ندارند پیشِ دُکتر بروند. بعضی‌ها هم می‌ترسند به مَطبِ دُکتر بروند، یا از خوردنِ قُرص و شَرِبَتِ خوشیشان نمی‌آید، برای همین با داروهای گیاهی خود را درمان می‌کنند. بعضی‌ها هم به کارِ عِدّه‌ای از پزِشک‌ها اِطمینان ندارند؛ یا دیر پیشِ دُکتر می‌روند، یا اصلاً نمی‌روند. من هم از آن گروه آدم‌هایی هستم که هیچ‌وقت برای رفتن به دُکتر عَجَله نمی‌کنم.

مُدّت‌ها بود که اِشْتِها نداشتَم و شَب‌ها نمی‌توانستم بخوابم. سرزرد داشتم و سُرْفه می‌کردم. به مَطبِ دُکترِ خانوادگی‌مان زنگ زدم و برای همان روز عصر وقت گرفتم. وقتی به مَطبِ رفتَم، مَنشیِ دُکترِ پَرونده‌ی پزِشکی من را پیدا کرد و به دُکتر داد. مُدّتی در اُتاقِ اِنتِظارِ نِشِستم تا نوبتِ من شد. یک مَرِیضِ دیگر در اُتاق بود. وقتی بیرون آمد، من به اُتاقِ دُکتر رفتَم. در اُتاقِ دُکتر روی صندلی نِشِستم. دُکتر بعد از دیدنِ پَرونده‌ام از من چند سؤال کرد و من جواب دادم. خیلی ذقیق مَرا مُعاینه کرد و بعد نَبض و فِشارِ خَوْنَم را گرفت و به ضَرَبانِ قَلْبَم گوش داد. تب هم نداشتَم. وقتی مُعاینه تمام شد، دُکتر گُفت: «مُشکِلی وُجود ندارد، ولی برای اِطمینان، باید یک آزمایشِ خون بدهی.» من همیشه از آمپول می‌ترسیدم، ولی روزِ بعد ناشتا به آزمایشگاه رفتَم و آزمایش دادم.

چند روز بعد برای گرفتنِ جوابِ آزمایشِ به آزمایشگاه رفتَم. وقتی جوابِ آزمایشِ را به من گُفتند، سَرَم گیج رفت و دیگر هیچ‌چیز نفهمیدم. وقتی چشمم را باز کردم دیدم در بیمارستان هستم و یک سِرُم به دستم وصل است. ظاهراً در آزمایشگاه جوابِ آزمایشِ یک بیمارِ سَرطانی را اشتباهی به من داده بودند و من از ترس غَش کرده بودم.

بخش اول: درک مطلب



الف) با توجه به متن پاسخ دُرُست را با حرف «د» و پاسخ نادرُست را با حرف «ن» مشخص کنید.

۱. نویسنده‌ی متن دیر به دُکتر می‌رود.

۲. او عصرِ همان روز که مریض بود، به دُکتر رفت.

۳. او از آمپول نمی‌ترسید.

۴. نبض و فشارِ خونِ او عادی نبود.

۵. او بعد از خوردنِ صُبحانه به آزمایشگاه رفت و آزمایش داد.

۶. او در آزمایشگاه بیهوش شد.

۷. او سرطان داشت.

ب) با توجه به متن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. کسانی که به دُکتر نمی‌روند، چگونه خودشان را درمان می‌کنند؟

.....

۲. چرا نویسنده‌ی متن به دُکتر رفت؟

.....

۳. دُکتر برای مَعاينه‌ی او چه کارهایی کرد؟

.....

۴. نویسنده چرا آزمایشِ خون داد؟

.....

۵. چرا در بیمارستان بستری شد؟

.....

بخش دوم: تمرین واژگان



الف) معنی واژه‌های ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

۱. اِشْتِه‌ا الف) کارهایی که دُکتر انجام می‌دهد تا نوعِ بیماری را بفهمد.

- | | |
|-----------------|--|
| ۲. مَطَب | <input type="checkbox"/> ب) صُبْحانه نخورده |
| ۳. مُنْشی | <input type="checkbox"/> پ) مِثْلِ این که |
| ۴. نوبت | <input type="checkbox"/> ت) آبی که نمک و قند دارد و برای درمان یا به عنوان غذا به بیمار می دهند. |
| ۵. پَرَوَنده | <input type="checkbox"/> ث) مَخْلی که در آن پزشک بیماران را مُعاینه می کند. |
| ۶. مُعاینه کردن | <input type="checkbox"/> ج) کسی که کارهای اداری یک مَطَب، شِرْکَت و... را انجام می دهد. |
| ۷. تَب | <input type="checkbox"/> چ) میل به خوردن غذا و مانند آن |
| ۸. ناشتا | <input type="checkbox"/> ح) فُرْصَتِ اَنْجَامِ کار برای هر نفر در یک گُروه. به ترتیب زمانی |
| ۹. ظاهراً | <input type="checkbox"/> خ) مَجْموعه‌ی اِطْلَاعات و مَدارک از کسی یا چیزی |
| ۱۰. سِرْم | <input type="checkbox"/> د) زیاد شدن غیر طبیعی گرمای بدن |

ب) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید.

داشتن - دادن - کردن - گرفتن - زدن

- | | | |
|---------------|---------------|-------------------|
| درمان: | عَجَله: | اِشْتِها: |
| سر درد: | زنگ: | اِطْمِینان: |
| نوبت: | تَب: | |
| آزمایش: | | |

پ) با هر یک از مصدرهای تمرین قبل جمله بسازید.

۱.
۲.
۳.
۴.
۵.
۶.
۷.

۸

۹

ت) درباره‌ی داروها، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ث) درباره‌ی نشانه‌های بیماری، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

ج) درباره‌ی کارهای مربوط به معاینه کردن، چه کلمه‌هایی در متن وجود دارد؟ آنها را بنویسید.

چ) جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کنید.

قَرص - عِدّه‌ای - خَطَرناک - اِنْتِظار - پَرونده - نَبض - ضَرَبان - آمپول

۱. در پزشکی من، هیچ بیماریِ خَطَرناکی وجود نداشت.
۲. دُکُتر فقط برای من دو دارو نوشت : و
۳. او دُکُتر خیلی خوبی بود، اُتاقِ او همیشه پُر از مریض بود.
۴. خوشبختانه بیماری شما نیست و خیلی زود حالتان خوب می‌شود.
۵. دُکُتر او را گرفت و به قلبش گوش داد.
۶. او و از دُکُترهای ایرانی در این بیمارستان کار می‌کنند.

ح) جاهای خالی را با مصدر مناسب پر کنید. تغییرات لازم را انجام دهید.

اِطمینان داشتن - معاینه کردن - سُرُفه کردن - دَرمان کردن - گِرَفتن - اِشْتِها داشتن

۱. قَبلاً دُکُترهای این بیمارستان، بیماران را با داروهای گیاهی
۲. دو روز است که غَذا نخورده‌ام، ولی هَنوز هم
۳. شما باید که دُکُترهای این جا خیلی خوب هستند.
۴. دُکُتر فشارِ خَوْنَت را ؟
۵. بعد از این که دُکُتر مادَرَم را گفت که هیچ مُشکِلی نیست.
۶. من هم تَب داشتم و هم

خ) در جمله‌های زیر واژه‌ها و عبارت‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به کدام واژه یا عبارت در متن برمی‌گردند؟

۱. اصلاً میل به خوردن غذا نداشتم.....

۲. بدون صبحانه به مدرسه رفتم.....

۳. به مطب دکتر زنگ زدم و نوبت گرفتم.....

۵. از ترس بیهوش شده بودم.....

بخش سوم: خواندن بیشتر



اسمش علی و فرزند اول خانواده بود. در هنگام تولد ۲ کیلوگرم وزن داشت. او در بخش^۱ کودکان بیمارستان بستری^۲ بود. پدر و مادرش خیلی نگران بودند و از پشت شیشه به فرزندشان نگاه می‌کردند. مادر آرام آرام گریه می‌کرد و دعا می‌کرد. علی را ۲۲ ساعت بعد از تولد به بیمارستان آورده بودند. پزشک‌های بیمارستان هم به زنده ماندن او امید نداشتند. ماه‌های زیادی گذشت. مادر علی همیشه کنار تختش بود. روزها و شب‌ها برای

مادر خیلی سخت می‌گذشت. علی کم کم بهتر می‌شد، اما هنوز برای مرخص شدن^۳ زود بود. من پزشک علی بودم. هر روز با مادر او صحبت می‌کردم و او را آرام می‌کردم.

بعد از هشت‌ماه بالاخره حال علی بهتر شد و به خانواده‌اش اجازه دادیم او را به خانه ببرند. سال‌ها بعد، پس از تمام شدن مراسم^۴ که به یاد دکتر قریب، اولین پزشک کودکان در ایران شریک کرده بودم، جوانی به طرف من آمد و گفت: «من علی هستم. یادتان هست؟ تا هشت‌ماهگی در بیمارستان، بخش کودکان؟! الان بیست و شش سالم است و سال آخر پزشکی هستم و می‌خواهم متخصص کودکان بشوم». خیلی خوشحال شدم و نمی‌توانستم باور کنم که علی، آن نوزاد بیمار، الان روبه‌روی من است و حالا می‌خواهد پزشک کودکان بشود!

۱ - بخش: قسمت‌های مختلف بیمارستان

۲ - بستری بودن: به دلیل بیماری در بیمارستان یا در خانه خوابیدن

۳ - مرخص شدن: اجازه گرفتن بیمار برای خارج شدن از بیمارستان